

بررسی و نقد کتاب «هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی»

نوشته محمد علیزاده قائمیه

زهرا اکبری^۱

چکیده

کتاب‌های درسی، نقش مهمی در تحقق اهداف آموزشی در مراکز آموزش عالی دارد و هر چه کتاب درسی از کیفیت بیشتری برخوردار باشد، کیفیت آموزش نیز ارتقاء می‌یابد. یکی از اولین منابعی که برای درس «هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی» در رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش علوم قرآن و حدیث به رشته تحریر درآمده، کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی نوشته آقای محمد علیزاده قائمیه است. این اثر به رغم تلاش‌های ارزنده مؤلف در تألیف و تدوین، از اشکالات محتوایی و ساختاری دور نمانده و نیازمند نقد و بررسی جدی است. در این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته، کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی از حیث شکل و ظاهر، محتوا، ساختار و روش بررسی و نقد شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که این کتاب به لحاظ شکل و ظاهر به دور از خلاقیت و جذابیت طراحی و تنظیم شده است. محتوا نیز بیانگر عدم تسلط نویسنده بر متن و در نهایت نداشتن نوآوری است. همچنین، مشخص شد که ساختار کتاب نیز غیر منسجم و نامنظم است و با مشکلاتی از قبیل چینش نامناسب فصل‌ها و درس‌ها، وجود فصل‌های اضافه و نبود بخش نمایه و واژه‌شناسی همراه است. در کنار ایرادهای پیشین، کتاب از لحاظ نگارشی نیز دارای غلط‌های املایی و خطاهای دستوری و در بسیاری از موارد فاقد علائم نگارشی و سجاوندی است. از نظر روشی هم، معرفی نکردن روش تحقیق، عدم ارجاع در بسیاری از نقل‌ها، و ارجاع‌دهی غیر روشمند از ضعف‌های این کتاب است.

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

ایمیل: zh.akbari@ymail.com

کلید واژه‌ها: دانش‌های قرآنی و حدیثی، ساختار، شکل ظاهر، محتوا، نقد.

Review and Criticism of the book "Geometry of Qur'anic sciences and Hadith"

Written by Mohammad Alizadeh Qaimieh

Zahra Akbari¹

Received 2024-08-29 - Accepted: 2024-05-29

Abstract

Textbooks play an important role in achieving educational goals in higher education centers, and the higher the quality of the textbook, the higher the quality of education. One of the first sources that was written for the course "Geometry of Quranic and Hadith Knowledge" in the field of theology and Islamic studies with a focus on Quranic and Hadith sciences is the book "Geometry of Qur'anic sciences and Hadith" written by Mr. Mohammad Alizadeh Qamiyeh. Despite the valuable efforts of the author in writing and editing, this work is not far from content and structural problems and needs serious criticism. In this article, which is organized in a descriptive-analytical way, the book of Geometry of Qur'anic sciences and Hadith is reviewed and criticized in terms of form and appearance, content, structure and method. The findings of the research show that this book is very weak in terms of form and appearance, and the content indicates the author's lack of mastery over the text and ultimately lack of innovation. Also, the structure of the book can be considered incoherent and in terms of methodology, the lack of reference in many quotations and the use of weak sources can be mentioned.

Keywords: Qur'anic sciences and Hadith, structure, appearance, content, criticism.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Kowsar University, Bojnord, Iran. Email: zh.akbari@ymail.com

مقدمه

در سرفصل جدید رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش علوم قرآن و حدیث، درسی با عنوان «هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی» تعریف شده است که تا چند دوره پس از تعریف آن، منبع مستقل درسی برای آن تدوین نشده بود و از این لحاظ آموزش آن با کاستی‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. واقعیت آن است که آموزش دانشگاهی بدون کتاب درسی امکان‌پذیر نیست (رحیمی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۲۴۵). کتاب درسی مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی است که در نظام‌های آموزشی و پرورشی کشورهای جهان استفاده می‌شود. (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶). بنیاد آموزش در اغلب دانشگاه‌های دنیا به میزان قابل توجهی بر کیفیت کتاب‌های درسی استوار است (منصوریان، ۱۳۹۲: ۲) و کتاب درسی از ارکان توسعه و تولید دانش محسوب می‌شود (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷: الف)، و در کشوری مانند ایران، کتاب درسی حتی نقش جهت‌دهی به فعالیت‌های معلم را نیز ایفا می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶).

کتاب درسی و دانشگاهی با قابلیت‌هایی که دارد، علاوه بر آنکه یادگیری را آسان می‌کند، کیفیت یادگیری را نیز بهبود می‌بخشد. به اعتقاد برخی از محققان هنوز این باور فراگیر نشده است که کتاب درسی در نظام تعلیم و تربیت موقعیت مهمی دارد و برای تهیه آن باید اصولی را رعایت کرد (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۲) تا قابلیت یادگیری آن را افزایش دهد (همان: ۴۴). تفاوت عمده کتاب‌های درسی دانشگاهی با کتاب‌های غیر درسی، این است که کتاب‌های دانشگاهی، مخاطب خاص دارد و با اهداف آموزشی معین تألیف و تدوین می‌شود (همان: ۲۳).

تدوین کتاب و متون درسی، مانند هر کار دیگری، دانشی است که مستلزم شناخت اصول، قواعد و روش‌های تألیف است و نویسنده با فراگرفتن و پذیرفتن آن، علاوه بر اعتبار بخشیدن به دستاوردهای آموزشی منجر به نتایج جدید و مفید، در مسیر جست‌وجو و کاوش مستمر و بی‌وقفه قرار خواهد گرفت. اگر قرار است آموزش، مبتنی بر اصول علمی باشد، لازم است متون آموزشی نیز ضمن برخورداری از غنای علمی و بار آموزشی، مبتنی بر یک طرح دقیق و اصول علمی تنظیم گردد (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷: الف). از این لحاظ، نحوه تدوین کتاب دانشگاهی در فرایند آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محققان برای یک کتاب دانشگاهی کارآمد

ویژگی‌هایی را بیان کرده‌اند به این صورت که از نظر موضوع، هدفمند، از نظر ایده‌پردازی، قدرتمند، از نظر منابع، مستند به آثار معتبر و دارای پیوند عمیق و ارتباط نزدیک با آثار پیشین، از نظر جامعیت، شامل وجوه مختلف موضوعی، از نظر نگارش، روان و شفاف، از نظر ساختار، منسجم و یکدست، از نظر آموزشی، مطابق با نظریه‌های یادگیری و در نهایت از نظر شکل و ظاهر، دارای خلاقیت و همراه با معیارهای زیبایی‌شناختی باشد (منصوریان، ۱۳۹۲: ۳-۱۶). با این توصیفات، موفقیت یک کتاب دانشگاهی، تصادفی نیست، بلکه بر تخصص، تلاش و تجربه استوار است (همان: ۱۶). بر پایه برخی مطالعات انجام شده در ایران، محتوای کتاب‌های درسی تألیف شده، با اهداف دروس تناسب ندارند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶) و وقت آن رسیده تا بازنگری و بررسی شوند. در این راستا، سنت نقد نیز می‌تواند در پیشرفت اثر تأثیر بگذارد و نقاط ضعف و کاستی‌های آن را افشا کند (همان: ۳۷).

یکی از کتاب‌هایی که به زعم نویسنده، کتاب آموزشی دانشگاهی است و برای واحد درسی هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی، در نظر گرفته شده، اثری است با همین عنوان که آقای محمد علیزاده قائمیه نوشته‌اند. کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، اولین اثر و نخستین گام در این زمینه است که در سال ۱۳۹۸ نشر مکین چاپ و منتشر کرده است. با توجه به این که نویسنده، کتاب را برای این واحد درسی نگاشته است، معلوم می‌شود که هدفمند و مسئله‌مند بوده است. اما این که چه مقدار توانسته است این اهداف را در محتوا منعکس کند، یکی از ضعف‌های این کتاب است. در این کتاب از اصول و قواعد تدوین و طراحی کتاب آموزشی استفاده نشده است و استانداردهای لازم یک کتاب دانشگاهی را ندارد. با توجه به ملاک‌های ارزیابی کتب درسی از لحاظ شکلی، ساختاری و محتوایی، برخی اشکالات جدی به این کتاب راه یافته است که فرایند یادگیری را برای مخاطبان دانشگاهی با مشکل مواجه می‌کند. بر این اساس، بدون بررسی جامع نمی‌تواند به عنوان منبع درسی لحاظ شود. هدف از بررسی و نقد این کتاب، آگاه کردن نویسنده و مخاطبان از ساختار و محتوای کتاب و حتی نقاط ضعف آن است تا بازبینی شود و به صورت کارآمد و اثربخش در فرایند آموزش و یادگیری شرکت کند. ملاک ارزیابی در این نوشتار، شاخص‌های علمی رایج درباره نقد کتاب است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۰) و سعی شده است همه بخش‌های کتاب، در همه ابعاد شکلی، ساختاری، محتوایی، نگارشی و روشی بررسی شود.

درباره موضوع مقاله حاضر که به بررسی و نقد کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* می‌پردازد، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است و این نوشتار از طریق پرسش‌های زیر به نقد و بررسی آن می‌پردازد:

مهم‌ترین نقدهای شکلی و محتوایی کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* بر اساس ملاک ارزیابی کتاب‌های علمی کدام است؟
این کتاب تا چه اندازه می‌تواند منبع مناسبی برای درس *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* باشد و انتظار دانشجویان را از این درس برآورده کند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی انجام شده است. در این راستا، تمام مؤلفه‌های مرتبط با نقد کتاب بر اساس کلیدواژه‌های معین، در متن کتاب جست‌وجو و مطالعه شدند. سپس، داده‌ها دسته‌بندی شدند و در جای مشخص قرار گرفتند. در پردازش اطلاعات و تحلیل داده‌ها از شیوه تجزیه و تحلیل کیفی که بیشتر جنبه توصیفی دارد و شامل نقد، تعریف، توضیح و تفسیر است، استفاده شده است. در مرحله تحلیل داده‌ها، اطلاعات چند بار در معرض مطالعه و حذف و اضافه قرار گرفتند و در ادامه پس از مشخص شدن عنوان‌های اصلی و فرعی با رویکرد نقد، تعریف و تفسیر به صورت مستند ارائه شدند. برای دستیابی به اطلاعات دقیق و مورد اعتماد، سعی شد تا تمام داده‌های مربوط به موضوع مقاله گردآوری شوند و اطلاعات پس از دسته‌بندی در جای خود قرار بگیرند و به صورت مستند توضیح داده شوند و نقد و تفسیر گردند.

معرفی کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*

کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، نوشته آقای محمد علیزاده قائمیه را در سال ۱۳۹۸ برای اولین بار نشر مکین در قطع وزیری (شومیز) چاپ و منتشر کرد. به ادعای نویسنده، کتاب مذکور برای معرفی دورنمایی از مباحث علوم قرآنی و حدیثی و دانش‌های اختصاصی و مشترک قرآن و حدیث نوشته شده است.

کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* در سه فصل و شانزده درس به ترتیب زیر تنظیم شده است:

جدول ۱ فصل‌ها و درس‌ها

درس اول: کلیات	
فصل اول: دانش‌های مشترک	درس دوم: متن‌شناسی
	درس سوم: گونه‌شناسی متن (۱)
	درس چهارم: گونه‌شناسی متن (۲)
	درس پنجم: معارف قرآن و حدیث
	درس ششم: علوم پیرامونی (۱)
	درس هفتم: علوم پیرامونی (۲)
فصل دوم: دانش‌های اختصاصی قرآن	درس هشتم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۱)
	درس نهم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۲)
	درس دهم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۳)
	درس یازدهم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۴)
	درس دوازدهم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۵)
	درس سیزدهم: دانش‌های اختصاصی قرآن (۶)
فصل سوم: دانش اختصاصی حدیث	درس چهاردهم: هندسه علوم حدیثی (۱)
	درس پانزدهم: هندسه علوم حدیثی (۲)
	درس شانزدهم: هندسه علوم حدیثی (۳)

نقد و بررسی کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی

نقد در اصطلاح «به مفهوم داوری و قضاوت دوجانبه دربارهٔ یک گزاره است» (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶). البته نقد، تنها قضاوت منفی و بازگویی ضعف‌های یک متن یا سخن نیست، بلکه مهارتی است برای ارزیابی ویژگی‌های منفی و مثبت یک پدیده یا اثر به گونه‌ای که آن را بهبود ببخشد و راهکارهایی ارائه دهد (زرین کوب، ۱۳۹۹: ۲۱). از این لحاظ، نقد، یک حرکت اثربخش و سازنده است و سبب شکوفایی فرهنگ و جامعه می‌شود. یکی از جنبه‌های مثبت کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی، این است که این کتاب، نخستین نگارش با این موضوع است و تا قبل از آن کتابی با این عنوان وجود نداشت. جرئت نویسنده در این زمینه قابل تحسین است. با این همه، مطالعه کتاب از وجود اشکال‌های صوری و محتوایی پرده برمی‌دارد و نقد آن را در حوزه‌های شکلی و ظاهری، محتوایی، ساختاری، نگارشی و روشی ضرورت می‌بخشد.

۱. نقد شکلی و ظاهری

در گذشته کتاب‌ها شکل و ظاهر ساده‌ای داشتند و طراحی جلد و صفحه‌آرایی گرافیکی در آن‌ها جایگاهی نداشت. اما امروزه یکی از ملاک‌های کیفیت کتاب و جذب مخاطب، داشتن شکل و ظاهری جذاب و گیراست (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۵). همانگونه که محتوا، بر فکر یادگیرنده تأثیر می‌گذارد، ویژگی‌های ظاهری کتاب درسی و طراحی مناسب نیز می‌تواند در تمرکز حواس و جلب توجه نقش اساسی ایفا کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷). در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، اشکال‌های شکلی و ظاهری فراوانی به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد نویسنده در این زمینه دقت‌های لازم را نداشته است. در زیر برخی از اشکال‌های شکلی و ظاهری این کتاب بررسی شده است:

الف) طراحی غیرحرفه‌ای و به دور از خلاقیت جلد کتاب

جلد کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* به شکل بسیار ساده و به دور از خلاقیت و آفرینش هنری طراحی شده است. جلد کتاب شامل طرح روی جلد، پشت و عطف کتاب، ویرین آن است و نخستین مواجهه مخاطب با کتاب محسوب می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۷). لذا، جلد آن باید به گونه‌ای طراحی شود تا توجه دانشجویان را جلب کند و آن‌ها را به مطالعه و دنبال کردن مطالب آن ترغیب نماید (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۵). طراحی زیبا نشان‌دهنده حرفه‌ای بودن نویسنده و کیفیت کتاب است. طراحی جلد کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* این گونه است: رنگ زمینه آن صورتی مایل به کالباسی است و طرح یک دیوار کاهگی بر جلد آن نقاشی شده است که به نظر می‌رسد طراح خواسته است تا کهن بودن این دانش را به این صورت به تصویر بکشد. تا اینجا ایراد اساسی وجود ندارد، اما بهتر بود از رنگ‌های پر جلوه و یا همان رنگ کاهگل استفاده می‌شد، نه رنگ صورتی که هیچ ارتباطی با دیوارهای قدیمی ندارد. ایراد اساسی آنجاست که طراح، وسط این دیوار کاهگلی، یک شکل هندسی بزرگ آبی رنگ قرار داده که کاملاً آن را پوشانده است و طرح دیوار را به خوبی نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد نویسنده با رسم این چندضلعی قصد داشته است تا به موضوع کتاب اشاره کند؛ این در حالی است که منظور از هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی، هندسه به مفهومی که در علم هندسه و ریاضیات است، نیست و منظور از آن در واقع دسته‌بندی انواع دانش‌هایی است که با این دو منبع دینی ارتباط دارند (معارف و نیاسر، ۱۳۹۹: ۱۰). از این جهت بهتر بود تا طراح، برخی از انواع

دانش‌ها را در هر یک از خانه‌های این شکل هندسی قرار می‌داد. اما به طرز خیلی عجیب، عبارت «هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی» را وسط این چندضلعی نگاشته است که متأسفانه اشکال نگارشی نیز در آن وجود دارد؛ «ها»ی جمع با یک فاصله به کلمه «دانش» چسبیده است، در حالی که باید با نیم‌فاصله از آن جدا می‌شد. علاوه بر آن، از یک قلم (فونت) قدیمی استفاده کرده است، در حالی که می‌توانست دیگر قلم‌های زیبای فارسی را به کار ببرد.

نکته دیگر آن که، جلد پشت کتاب هم طراحی نشده است که معمولاً برای معرفی نویسنده از این بخش استفاده می‌شود و یا خلاصه‌ای از کتاب و یا روش نویسنده در ارائه مطالب در آن قرار می‌گیرد.

ب) صفحه‌آرایی نامناسب و غیراستاندارد

یکی از ایرادهای اساسی این کتاب، صفحه‌آرایی نامناسب آن است. صفحه‌آرایی، هنر انتخاب قلم، اندازه قلم، فاصله خط‌ها، حاشیه‌بندی، تورفتگی‌ها، سرصفحه‌ها (نکونام، ۱۳۸۹: ۳۵۷) و در واقع هنر چیدمان متن است. هدف از صفحه‌آرایی، افزایش سرعت و میزان انتقال مفهوم متن به خواننده است. با صفحه‌آرایی مناسب، خواننده بدون سردرگمی محتوا را می‌یابد و مشتاقانه پیگیری می‌کند. از این لحاظ، هم می‌توان مخاطب را جذب و هم علاقه‌مند کرد. یکی از عوامل مهم در افزایش میزان مطالعه و اشتیاق مردم جامعه به استفاده از محتواهای متنی و نگارشی، بهره‌گیری از ترفندهای صفحه‌آرایی است تا صفحات کتاب برای مخاطبان، جذاب و قابل توجه باشد. عدم صفحه‌آرایی مناسب و حرفه‌ای، تلاش‌های نویسنده را در رسیدن به اهداف آموزشی ناکام می‌گذارد.

صفحه‌آرایی در گذشته به صورت دستی و با زحمات زیادی انجام می‌شد، اما امروزه برنامه‌های زیادی برای صفحه‌آرایی و طراحی صفحات کتاب وجود دارد که برنامه‌اندیزاین (InDesign) یکی از بهترین آن‌هاست و تقریباً می‌توان گفت اکثر افرادی که به شغل صفحه‌آرایی کتاب مشغول هستند از این برنامه کاربردی کمپانی Adobe استفاده می‌کنند. در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، صفحه‌آرایی به شیوه مناسبی انجام نشده است، به دلایل زیر:

۱. استفاده از قلم (فونت) قدیمی B nazanin در اندازه ریز و کم‌رنگ که خواننده را از مطالعه کتاب پشیمان می‌کند. حروف باید از گرافیک زیبایی برخوردار باشد تا بتواند

توجه مخاطب را به خود جلب کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷). قطعاً نوع و اندازه قلم می‌تواند در درک مطلب و خواندن سریع متن تأثیرگذار باشد (رستمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۳).

۲. سر صفحه از هیچ خط یا نیم خطی که معمولاً عنوان کتاب یا عنوان فصل در آن نوشته می‌شود، استفاده نشده است.

۳. عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها علاوه بر آنکه شماره گذاری نشده است، هیچ فاصله‌ای نیز از پاراگراف قبلی ندارد و در لابه‌لای سطرها گم شده است.

۴. متأسفانه نقل قول‌ها و متن چنان به هم تنیده‌اند که چندان قابل تشخیص از یکدیگر نیستند. بهتر بود نقل قول‌ها با قلمی متفاوت از قلم متن اصلی نوشته می‌شد و یا اینکه نقل قول‌ها از ابتدای خط آغاز می‌شد.

۵. در نگارش آیات قرآن کریم، مقوله زیباشناختی رعایت نشده است، به این صورت که از قلم‌هایی که برای نگارش متن عربی و یا آیات قرآن وجود دارد، استفاده نشده و نگارش آن مانند نگارش متن کتاب با قلم B nazanin است. همچنانکه آیات گاهی به صورت سیاه (Bold) نوشته شده است و گاهی این‌طور نیست و متأسفانه نمونه‌های آن نیز فراوان است (ص ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰). حتی آیات گاهی در پراکنش و گاهی بدون پراکنش آمده است و رویه یکسانی در این زمینه وجود ندارد (ص ۱۴۶، ص ۱۴۷).

جدول ۲ نقد شکلی و ظاهری

ردیف	نقد شکلی و ظاهری
۱	طراحی غیر حرفه‌ای و به دور از خلاقیت جلد کتاب
۲	صفحه‌آرایی نامناسب و غیراستاندارد

۲. نقد محتوایی

محتوا و پیکره متن، بخش مهم یک کتاب است که اگر کیفیت مطلوبی داشته باشد و به گونه خوبی هم ارائه شود، نشان‌دهنده کارایی یک کتاب است و سودمندی آن را مشخص می‌کند (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۴۴). محتوا به لحاظ نقشی که در دستیابی به اهداف برنامه آموزشی دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. کتاب درسی در واقع محتوای نوشتاری برنامه درسی است و باید بیشترین همسویی لازم را با اهداف برنامه داشته باشد که در غیر

این صورت، اهداف آموزشی محقق نخواهد شد (حاتم و زینالی، ۱۳۹۶: ۱۴). محتوای مطلوب با معیارهایی از قبیل روزآمد بودن مطالب، جامعیت، ساماندهی و انسجام متن، ارتباط اجزای متن با یکدیگر، عنوان‌های مناسب، و ارتباط عنوان با مطالب ذیل آن شناخته می‌شود (رسولی و آتسانی، ۱۳۹۳: ۶۰). بررسی کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* معلوم می‌کند که بر این کتاب از نظر محتوا نیز نقدهای اساسی وارد است. این نقدها را می‌توان در عنوان‌های زیر دسته‌بندی کرد:

الف) مقدمه نارسا

مقدمه یا پیشگفتار یک کتاب در حکم معرفی‌نامه یک کتاب است و هنر یک نویسنده در مقدمه و پیشگفتار آن معلوم می‌شود. این قسمت از کتاب «باید زمینه عاطفی، شناختی و مهارتی اولیه برای ورود به مطالعه متن درس را در فراگیرنده فراهم کند» (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۲۷).

مقدمه کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* از سه بخش «مقدمه»، «ویژگی‌های این کتاب» و «اهداف کتاب» تشکیل شده است که چند ایراد اساسی دارد:

- معمولاً نویسندگان در مقدمه یا پیشگفتار آثار خود به معرفی آن می‌پردازند و از هدف نگارش کتاب، روش پژوهش، ویژگی‌های کتاب و هر مطلبی که مخاطب را به درک بهتر محتویات کتاب می‌رساند، سخن می‌گویند. نویسندگان در مقدمه به صورت‌های مختلف، خواننده را در جریان موضوع اصلی قرار می‌دهند و از این رهگذر خواننده، با پیش‌زمینه‌ای که در ذهن نویسنده می‌گذرد، آشنا می‌شود. در این کتاب شایسته بود که نویسنده، شروع قدرتمندی داشته باشد و از دلایل انتخاب این موضوع و اهمیت جای‌گذاری این درس در سرفصل رشته علوم قرآن و حدیث پرده بردارد و دانشجویان و مخاطبان این درس را به ضروری بودن این جای‌گذاری مجاب کند و از ضرورت وجود چنین کتابی سخن بگوید. گفتنی است که نویسنده در مقدمه کتاب، تنها به ارزش حدیث و قرآن به عنوان دو منبع شناخت دین اشاره کرده و تنها در بخش «ویژگی‌های کتاب» اشاره مختصری به آموزشی بودن آن کرده است (ص ۱).

- بهتر بود نویسنده، بخش «اهداف» را قبل از ویژگی‌های کتاب قرار می‌داد، چرا که تا هدف از انجام یک تحقیق روشن نشود، انگیزه‌ای برای دانستن ویژگی‌های آن وجود ندارد. البته «اهداف» نیز با اینکه در چند شماره آمده است، اما تقریباً همه آن‌ها به یک مسئله اشاره دارند؛ یعنی آشنایی دانشجویان با مباحث رشته علوم قرآن و حدیث:

«مهم‌ترین هدف، آشنایی دانشجویان با تعداد زیادی از مباحث اصلی علوم قرآن و حدیث بوده است. ... هدف دیگر آشنایی دانشجو با مهم‌ترین منابع مورد نظر در حوزه علوم قرآن و حدیث است. هدف دیگر آن است که دانشجو بداند در حوزه علوم قرآن و حدیث شاخه‌های مختلفی وجود دارد.» (همان).

مشخص است که کتاب‌ها بر اساس اهدافی پدید می‌آیند، حال چه آشکارا بیان شود و چه صریح مطرح نگردد (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۲۲)، اما بیان هدف از تألیف کتاب سبب می‌شود تا کتاب نقش خود را بهتر ایفا کند (ماندی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

- نویسنده در قسمت «ویژگی‌های این کتاب» نیز به صورت نارسا و با جمله‌های مبهم به ویژگی کتاب حاضر اشاره کرده است:

«بر اساس سرفصلی که برای گروه علوم قرآن و حدیث تدوین شده و از جمله جهت درس هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی که وجود دارد سعی بر آن شده که به دانش‌های مشترک و اختصاصی طبق سرفصل این درس مطالب جمع‌آوری شود.» (ص ۱).
در بخش سوم ویژگی‌های کتاب، نویسنده ادعا کرده که یکی از ویژگی‌ها و اهداف آن، ارائه منابع بیشتر برای آشنایی بیشتر دانشجویان با مباحث این درس است؛ اما کمتر به گفته خود وفا کرده و بیشتر از آن رد شده است. برای نمونه در بخش «تاریخ حدیث» تنها به یک منبع اشاره کرده است (ص ۸۲) یا در بخش معارف قرآن هیچ منبعی نیاورده است (ص ۵۸).

نکته آخر اینکه قلم نویسنده در مقدمه جذاب و گیرا نیست، چرا که جمله‌های مبهم و نارسا دارد و به اطناب درباره یک مطلب تکراری، یعنی آشنایی دانشجویان با رشته علوم قرآن و حدیث، سخن گفته است و با اینکه تأکید شده این کتاب، کتابی آموزشی است، اما از زبان آموزش بهره نگرفته است.

ب) عدم وضوح محتوا

نگارش و تدوین کتاب، یکی از راه‌های ارتباط با مخاطبان است و نویسنده باید بدون ابهام و پیچیدگی و با بیانی روشن و صریح به تشریح مسئله بپردازد. متأسفانه، اگر نویسنده بر محتوا و مطالب کتاب تسلط کافی نداشته باشد و درباره موضوع صاحب نظر نباشد، انتقال پیام و ارتباط مؤثر امکان‌پذیر نیست. «نویسنده و مؤلف کتاب، نه تنها باید موضوع ارتباط را خوب بشناسد، بلکه لازم است از مطرح کردن آن برای مخاطبان و خوانندگان خاص خود نیز مطلع

باشد و پیام خود را در قالبی بنویسد که برای مخاطبان و فراگیران قابل درک و فهم باشد. (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۱۳). شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* به دلیل عدم تسلط نویسنده از وضوح برخوردار نیست:

- استفاده از تعابیر مبهم و نارسا: نثر یک کتاب باید خواننده را به مطالعه ترغیب کند و با کمترین واژگان، بیشترین آگاهی را به او برساند، نه اینکه با پیچیدگی‌های غیرضروری مخاطب را از خواندن پشیمان کند (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۱). اما در این کتاب، گاهی جمله‌ها بدون ارتباط مفهومی با یکدیگر در کنار هم قرار گرفته‌اند. نمونه آن:

«در فلسفه‌ی ادبیات، متن چیزی است که نوشته می‌شود، زیرا به روی تعداد نامحدودی از خوانندگان گشوده است که می‌توانند نوشتار را به گفتار زنده تبدیل کنند. متن گفتمانی است که با نوشتار تثبیت می‌شود. متن بیان‌کننده احساسات، عواطف، کنش‌ها، واکنش‌ها و ... می‌باشد که با بهره‌گیری از هوش نویسنده، پیام درونی خود را به مخاطب نفوذ می‌دهد و محیرالعقول است که متن، جادوی رسانه است.» (ص ۱۴).

گاهی نیز جمله‌ها قابل فهم نیست، مانند جمله: «به معنای وحی را بصورت کامل بر اساس آیات آشنا شود.» (ص ۸۶).

- به درازا سخن گفتن درباره یک مسئله: یکی از اشکال‌های برخی از مباحث این کتاب، طولانی بودن توضیحات آن است. برای نمونه در درس دوم با عنوان «متن‌شناسی»، بیش از دو صفحه درباره متن و ویژگی‌های آن سخن گفته است، بی‌آنکه پیامی را انتقال دهد و یا حتی به منبعی ارجاع دهد (ص ۱۴-۱۷).

- خارج شدن از بحث: گاهی نیز بحث از مسیر اصلی خود دور شده است. برای نمونه در مبحث «تاریخ قرآن» بهتر بود نویسنده به خاستگاه تاریخ قرآن اشاره کوتاهی می‌کرد و سپس به مسائل اصلی می‌پرداخت، اما در حدود ۷ صفحه درباره «پیشینه تاریخ قرآن نزد خاورشناسان» سخن می‌گوید و تک‌تک آثار را نام می‌برد و بخش‌های هر یک را نیز بیان می‌کند. در صورتی که می‌توانست به خاستگاه غربی این اصطلاح اشاره کند و با ذکر برخی از آثار به انگیزه این محققان و تعریف آنان از تاریخ قرآن پردازد (ص ۶۰-۶۶).

ج) کم بودن اطلاعات اصلی و مفید

در برخی بخش‌ها، اطلاعات مهم و اصلی کم است، زیرا درباره برخی موضوعات به اطناب سخن گفته شده و موضوع اصلی فراموش شده است. برای نمونه در درس «معارف قرآن و

حدیث»، کوتاهی عجیبی از نویسنده سرزده است. نه تنها معرفی خوب و کاملی از «معارف قرآن و حدیث» ندارد، حتی در معرفی یک آموزه از قرآن و حدیث که در اولی به «اثبات وجود خداوند» و در دومی به «اخلاق» اشاره کرده است، نه به خوبی مسئله طرح شده و نه به خوبی از آن خارج شده است. برای مبحث «اثبات وجود خدا» نیز تنها به مطالب تکراری در آثار گذشته همچون برهان نظم، برهان حرکت، برهان وجوب و امکان و برهان علت و معلول اکتفا می‌کند (ص ۵۸-۵۴).

د) عدم نوآوری در ارائه محتوا

محتوای یک کتاب آموزشی باید از تازگی و نوآوری برخوردار باشد. به‌روز بودن و با تحولات جدید همراه بودن یکی از ویژگی‌های کتب دانشگاهی است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶). افزون بر همه ضعف‌ها، این کتاب از حیث نوآوری نیز ایرادهای مضاعفی دارد. در این کتاب، مطالب پشت سر هم و بدون هیچ نوآوری و خلاقیتی نقل شده که کاملاً کسل‌کننده است. نویسنده در تعریف‌ها ضعف دارد و بدون هیچ دخل و تصرفی از نویسندگان یا نویسندگان پیشین نقل می‌کند و گاهی مطلب را در این موضع به درازا می‌کشد. برای نمونه در بخش «محکم و متشابه»، کتاب علوم قرآنی آیت‌الله معرفت را مبنا قرار داده است و تماماً از این کتاب نقل می‌کند، بدون آنکه نکته جدیدی به آن بیفزاید. در قسمت «نسخ در اسلام و قرآن» ذیل عنوان «اقسام نسخ»، همان اقسامی را که سیوطی در *الاتقان* آورده است، می‌آورد (ص ۲۷). البته با آن که آن‌ها را نقد می‌کند ولی باید گفت که اصلاً موضع شیعه درباره نسخ این گونه نیست. همچنانکه مبحث «مطلق و مقید» یا «مقدم و مؤخر» را نیز کاملاً از این کتاب و بدون هیچ کم و کاستی بیان می‌کند (ص ۱۳۰ تا ۱۳۲). یا در بخش «دانش‌های اختصاصی قرآن»، چند صفحه را به بحث درباره «پندارهایی درباره قرآن» اختصاص می‌دهد و در پایان *البیان آیت‌الله خوئی* را به عنوان منبع می‌آورد (ص ۱۰۲-۱۰۶). همچنین، بخش «قرآن و قرائت‌های هفت‌گانه» نیز کاملاً از *البیان* نقل شده است (ص ۱۱۴-۱۲۱). نکته مهم در استفاده از این آثار در نظر نگرفتن ویژگی فرهنگی مخاطبان و تفاوت نسل‌هاست، به گونه‌ای که از همان ادبیات گذشته استفاده شده است.

ه) تعریف نشدن برخی از مفاهیم و اصطلاحات و ضعف تعریف‌ها

در یک کتاب درسی برای تفهیم بهتر، شایسته است که کلمات مبهم و به‌ویژه کلمات نیازمند تعریف، حتماً توضیح داده شود، تا خواننده از سردرگمی نجات یابد. آنتوا برمن،

نظریه پرداز فرانسوی، با طرح الگوی واضح‌سازی / شفاف‌سازی در تئوری ریخت‌شکنا به توضیح اصطلاحات و ترکیب‌های مبهم متن تأکید دارد (برمن، ۱۹۹۹: ۵۵). از این رو، در کتاب مورد نقد شایسته بود که کلمات و اصطلاحات به طور صریح شرح و توضیح داده شوند. برای نمونه در بخش «ماهیت وحی»، تعریفی از وحی بیان نشده و تنها آیات وحی آمده است (ص ۸۶). همچنانکه اکثر تعریف‌های این کتاب نیز ضعیف دارد، چرا که یا تعریف‌ها واضح نیست و یا نویسنده در پایان توضیح، دیدگاه خود را در تعریف یک واژه یا اصطلاح بیان نمی‌کند و حتی هیچ جمع‌بندی‌ای در پایان ندارد و در واقع یک تعریف را بدون هیچ پشتوانه و توضیحات تکمیلی رها می‌کند.

(و) عدم تناسب و هماهنگی بین بخش‌های یک درس از نظر محتوا و هدف

یک اثر آموزشی باید هدفمند باشد، یعنی موضوع، مشخص و صریح باشد و مطالب کتاب نیز این موضوع را پوشش دهند (منصوریان، ۱۳۹۲: ۴). در واقع یکی از راهبردهای یادگیری، تدارک، توجه و پردازش اطلاعاتی است که بر اساس اهداف تعیین شده در درس‌ها گنجانده می‌شود (آرامبراستر و اندرسون، ۱۳۷۲: ۸۴) و اگر محتوای آن با اهداف مشخص شده مرتبط و هماهنگ نباشد، قطعاً یادگیری محقق نمی‌شود.

در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، نویسنده در ابتدای هر درس، اهدافی را بیان کرده که با محتوای فعلی بعید است که محقق شود. برای نمونه برای بخش «گونه‌شناسی متن»، اهداف زیر در نظر گرفته شده است:

مطلق و مقید را تعریف کند.

آیات و متون در خصوص مطلق و مقید را بررسی کند.

کارکردهای مقدم و مؤخر را به‌خوبی تشخیص دهد.

انواع مقدم و مؤخر را بیان کند.

در حالی که نویسنده به ذکر چند مورد مطلق و مقید از قرآن اکتفا کرده است و به «متون» خاصی اشاره نمی‌کند و اصلاً مشخص نیست منظور از «متون» چیست. همچنانکه در بخش مقدم و مؤخر، تمام مطالب را عیناً از *الاتقان* سیوطی با همان ادبیات نقل کرده و کارکردها و انواع، همان چیزی است که او در کتابش آورده است و مطلب جدیدی وجود ندارد تا به درک بهتر خواننده در این زمینه کمک کند (ص ۴۲-۵۲).

ز) عنوان‌های نارسا و عدم تناسب و ارتباط عنوان با محتوا

عنوان، کلیدواژه محتوای آن بخش است و باید با محتوا مطابقت داشته باشد، در عین این که باید جذاب و گیرا نیز باشد. در این کتاب برخی عنوان‌ها ناقص یا نارسا هستند، مانند عنوان «ویژگی‌های تاریخ حدیث شیعه» (ص ۷۵) که مشخص نیست در مقام بیان سرگذشت و اتفاق‌هایی است که در تاریخ شیعه برای حدیث رخ داد. یا بیان ویژگی‌های حدیث شیعه است. اما توضیحات نویسنده معلوم می‌کند که محتوا درباره‌ی مورد اخیر است. برخی عنوان‌ها به گونه‌ای است که مخاطب متوجه هدف نویسنده نمی‌شود و امکان جایگزینی با عنوان‌های بهتر وجود داشت. مانند عنوان‌های «پندارهایی درباره‌ی اعجاز قرآن» (ص ۱۰۲)، و «نسخ در اسلام و قرآن» (ص ۲۶).

گاهی نیز محتوا انعکاس عنوان نیست. برای نمونه در بخش «مدرسه تفسیری پیامبر (ص)»، انتظار این است که ضمن توضیح کلمه «مدرسه» به شرایط و ویژگی‌های این مدرسه اشاره شود، اما بسیار سطحی به موضوع پرداخته شده است، گویی که هدف نویسنده بیان شیوه‌های مختلف پیامبر (ص) برای آموزش تفسیر و برنامه‌های ایشان بوده است (ص ۱۲۴).

ح) کم‌رنگ بودن دیدگاه‌های مؤلف

مؤلف یک کتاب باید فردی صاحب ایده و صاحب نظر باشد. اما متأسفانه در این کتاب دیدگاه مؤلف کمتر دیده می‌شود و آنچه موجود است دیدگاه‌های مؤلفان دیگر به‌ویژه مؤلفانی است که در سال‌های دور زندگی می‌کردند و مطالب نیز عیناً همان مطالبی است که در آثار آن‌ها آمده است. بر این اساس، نویسنده علاوه بر این که در ارائه محتوا خلایق و نوآوری ندارد، تحلیلی هم از دیدگاه‌های موجود ارائه نمی‌دهد.

ط) محکم نبودن هدف‌های آموزشی

هدف‌های آموزشی، مطالبی است که در ابتدای یک درس یا متن آموزشی قرار می‌گیرد و از دانشجو درخواست می‌شود تا پس از مطالعه آن درس، مطالب آن را در ذهن بسپارد، تجزیه و تحلیل کند، بحث کند و نمونه‌هایی بیاورد (آرمندملکی، ۱۳۹۱: ۴۳). در کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی این هدف‌ها یا به درستی بیان نشده، مثلاً به صورت سؤالی آمده است: «آیا تحریف در قرآن بکار رفته است؟» (ص ۱۴۲) و یا محتوای فصل‌ها، به گونه‌ای است که خواننده کمتر به این هدف‌ها نزدیک می‌شود.

ی) *عدم ارتباط محتوای کتاب با آثار موازی و مرتبط*

یکی از شاخص‌های ارزیابی محتوایی کتاب درسی، مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس وابسته است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۲). مؤلف در بیشتر درس‌ها به آثاری که درباره موضوعات و محورهای کتاب به نگارش درآمده، توجهی نداشته است تا به طرح، تحلیل و یا نقد آن‌ها بپردازد و ارتباطی بین کتاب حاضر و آثار جدید نگاشته شده، ایجاد کند. برای نمونه در بحث اعجاز قرآن، منبع جدید و تخصصی‌ای همچون معجزه‌شناسی نوشته دکتر محمدباقر سعیدی روشن وجود دارد و یا در موضوع تاریخ قرآن و تاریخ حدیث، دکتر مجید معارف آثار شایسته‌ای را به نگارش درآورده‌اند، همچنانکه در زمینه فقه الحدیث، کتاب *روش‌های فهم حدیث* نوشته عبدالهادی مسعودی شایسته توجه است. همچنین است آثاری که قرآن پژوهانی نظیر علامه جوادی آملی به رشته تحریر درآورده‌اند و درباره مباحثی همچون اعجاز قرآن، وحی و تحریف‌ناپذیری تحلیل‌های فوق‌العاده‌ای انجام داده‌اند. اگر این ارتباط وجود داشت، هم سبب غنای بیشتر مطالب می‌شد و هم اینکه خواننده ارتباط بهتری با کتاب برقرار می‌کرد، چرا که به توانایی‌های علمی نویسنده در استفاده از منابع و تحلیل و نقد آن‌ها پی می‌برد.

در جمع‌بندی نقد محتوایی کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، شایان ذکر است که این کتاب از غنای علمی و محتوای مناسب آموزشی برخوردار نیست.

جدول ۳ نقد محتوایی

ردیف	نقد محتوایی
۱	مقدمه نارسا
۲	عدم وضوح محتوا
۳	کم بودن اطلاعات اصلی و مفید
۴	عدم نوآوری در ارائه محتوا
۵	تعریف نشدن برخی از مفاهیم و اصطلاحات
۶	عدم تناسب بین بخش‌های یک درس
۷	تعریف نشدن برخی از مفاهیم
۸	عدم تناسب بین بخش‌های یک درس از نظر محتوا و هدف
۹	عدم تناسب و ارتباط عنوان با محتوا در هر درس
۱۰	کم‌رنگ بودن دیدگاه‌های مؤلف
۱۱	محکم نبودن هدف‌های آموزشی
۱۲	عدم ارتباط محتوای کتاب با آثار موازی و مرتبط

۳. نقد ساختاری

ساختار کتاب، ساماندهی اندیشه‌های نویسنده است. نویسنده، داده‌ها را گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل می‌کند و سپس آن‌ها را به صورت معنادار در کنار هم می‌چیند. ساختار کتاب‌های درسی با توجه به اهداف آموزشی و نوع درس می‌تواند متفاوت باشد. ساختار مناسب تأثیر مهمی در جذابیت کتاب و میزان فهم و یادگیری خواننده دارد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

در ایران، کتاب‌ها از جلد آغاز می‌شود و با صفحه بسم‌الله، عنوان کتاب، اطلاعات کتابشناسی، فهرست مطالب، مقدمه و فصل‌ها ادامه می‌یابد و با نتیجه‌گیری، نمایه‌ها و فهرست منابع به پایان می‌رسد. هر فصل به چند قسمت منطقی - با رعایت تناسب میان تعداد صفحات فصل‌ها در مقایسه با یکدیگر - تقسیم می‌شود. عنوان هر بخش و زیر بخش معمولاً با شماره مشخص می‌شود.

کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* افزون بر همه ضعف‌هایی که در متن و محتوا دارد از اشکالات ساختاری نیز رنج می‌برد و نیازمند ویرایش ساختاری جدی است. برخی از مهم‌ترین ایرادهای ساختاری این کتاب عبارت‌اند از:

الف) چینش نامناسب فصل‌ها و درس‌ها

یکی از شاخص‌های ارزیابی ساختاری، نظم منطقی فصل‌های کتاب است به گونه‌ای که در ارتباط با موضوع اصلی باشد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۶). کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* در ۳ فصل تنظیم یافته است. ذیل هر فصل، درس‌هایی با شماره‌های پی‌درپی تعریف شده است، به این صورت:

جدول ۴ فصل‌های کتاب		
درس اول: کلیات	فصل دوم: دانش‌های اختصاصی قرآن	فصل سوم: اختصاصی حدیث
فصل اول: دانش‌های مشترک	درس هشتم: دانش‌های اختصاصی قرآن ۱	درس چهاردهم: هندسه علوم حدیثی ۱
درس دوم: متن‌شناسی	درس نهم: دانش‌های اختصاصی قرآن ۲	درس پانزدهم: هندسه علوم حدیثی ۲
درس سوم: گونه‌شناسی متن ۱	درس دهم: دانش‌های اختصاصی قرآن ۳	درس شانزدهم: هندسه علوم حدیثی ۳

شایسته بود درس‌ها با شماره پی‌درپی تعریف نمی‌شد، زیرا سردرگمی عجیبی به خواننده دست می‌دهد. فصل اول با درس دوم شروع می‌شود و فصل دوم با درس هشتم و همین‌طور فصل سوم با درس چهاردهم. انتظار این بود در هر فصل، درس‌ها با توجه به عناوین آن‌ها مشخص می‌شد، بدون شماره‌های پی‌درپی، به این صورت:

جدول ۵ فصل‌های پیشنهادی		
فصل اول: دانش‌های مشترک	فصل دوم: دانش‌های اختصاصی قرآن	فصل سوم: دانش اختصاصی حدیث
متن‌شناسی	وحی	رجال
ناسخ و منسوخ	اعجاز	مصطلح الحدیث
محکم و متشابه	قرائات	فقه الحدیث

جالب آنکه حتی مبحث اعجاز در دو درس ارائه شده است، هم ذیل درس دانش‌های اختصاصی قرآن ۱ و هم ذیل درس دانش‌های اختصاصی قرآن ۲؛ در حالی که بهتر بود همه مباحث اعجاز در یک درس معرفی می‌شد.

ب) چینش نامنظم مطالب هر درس

مطالب هر درس نیز از هیچ‌نظمی پیروی نمی‌کند. مانند مبحث «گونه‌شناسی متن ۱» که شامل مطالب زیر است: گونه‌شناسی / ناسخ و منسوخ / نسخ در لغت / اصطلاح / نسخ در اسلام و قرآن / اقسام نسخ / نسخ تلاوت نه حکم / نسخ در تلاوت و حکم / ... (ص ۱۴-۲۰). مطالعه این بخش معلوم می‌کند که دقیقاً مشخص نیست در باب چه چیزی قرار است بحث شود و بهتر بود در هر درس از یک نظم منطقی استفاده می‌شد؛ یعنی پس از بیان نام یک علم، درباره تاریخچه یا پیشینه آن سخن گفته می‌شد و بعد تعریفی از آن ارائه می‌شد، سپس آثار نویسندگان نام برده می‌شد، دیدگاه‌های موافق و مخالف بیان می‌شد، ... دیگر این که، برخی درس‌ها دوپاره شده‌اند، به این صورت که بحثی در یک درس شروع می‌شود، اما ناتمام به پایان می‌رسد و به درس بعدی موکول می‌گردد. برای نمونه در بحث «اعجاز قرآن»، بحث در اواخر درس هشتم شروع می‌شود (ص ۹۱-۱۰۰) و سپس در درس نهم ادامه آن بیان می‌شود. (ص ۱۰۲-۱۱۲). حال آن که بهتر بود مبحث مهم اعجاز در یک درس مجزا گنجانده و به آن پرداخته شود.

ج) وجود فصل‌های اضافه

برخی عنوان‌ها و درس‌ها به گونه‌ای است که می‌شد آن‌ها را با هم ادغام کرد. برای نمونه، در بخش مقدماتی حدیث که شامل تعریف‌ها و مترادف‌های آن است، عنوان «هندسه علوم حدیث ۱» به کار رفته است، در صورتی که می‌شد آن را در یک صفحه خلاصه کرد و سپس به دانش‌ها پرداخت.

د) یکدست نبودن صفحات فصل‌ها

نویسنده حدود ۷۰ صفحه از کتاب را به «دانش اختصاصی قرآن» اختصاص داده، اما درباره دانش «اختصاصی حدیث» تنها به ۳۰ صفحه اکتفا کرده است.

ه) نداشتن بخش نمایه و واژه‌شناسی

نمایه یکی از قسمت‌های مهم کتاب است که جای آن در این کتاب خالی است. نمایه همان فهرست مدخل‌ها و موضوعات مختلف کتاب است که در پایان کتاب ساماندهی می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۳) و برای فهم بهتر متن و بازیابی مطالب در کتاب کاربرد دارد.

جدول ۶ نقد ساختاری

ردیف	نقد ساختاری
۱	چینش نامناسب فصل‌ها و درس‌ها
۲	چینش نامنظم مطالب هر درس
۳	یکدست نبودن صفحات فصل‌ها
۴	وجود فصل‌های اضافه
۵	نداشتن بخش نمایه و واژه‌شناسی

۴. نقد زبانی

زبان علمی، زبانی شفاف و با تعبیرهای مستقیم است و الفاظ در آن معنای حقیقی دارند و بدون درنگ خواننده را به مدلول می‌رسانند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۴). از این جهت یک کتاب درسی از لحاظ نوشتار باید روان، صریح، بدون ابهام و پیچیدگی باشد تا خواننده بدون سردرگمی از محتوای کتاب آگاهی یابد (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۱). رعایت نکردن اصول نگارش علمی و وجود غلط‌های املائی و دستوری سبب ابهام در معنا می‌شود

و فهم را به تأخیر می‌اندازد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۴). در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، میزان دقت در نگارش به لحاظ املاء و قواعد دستوری بسیار کم و نیازمند بازنگری و نگارش بر اساس اصول درست‌نویسی فارسی است. برخی از اشکالات به شرح زیر است:

الف) غلط‌های بی‌شمار املائی

غلط‌های املائی فراوانی در این کتاب به چشم می‌خورد که ویرایش آن را لازم و ضروری می‌سازد. مانند خطاهای زیر:

- افتادگی یا زیادی در کلمات: گاهی حرف یا حروفی از کلمه افتاده یا به کلمه اضافه شده است. مثلاً کلمه «متشابه» (ص ۳۶).

- املائی غلط کلمه‌های همزه‌دار: مانند کلمه‌های مسایل (ص ۱۷۹) و مسئله (ص ۷۰) که بر اساس دستور خط فرهنگستان، اگر حرف پیش از همزه مفتوح باشد، با کرسی «ی» به صورت «ۀ» و با کرسی «الف» به صورت «أ» نگاشته می‌شود (گروه دستور زبان، ۱۴۰۱: ۴۹؛ چناری، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

- عدم نگارش میانوند «و» در کلمات مشتق: مانند «گفتگو» (ص ۶۸) که بر اساس کتاب‌های آیین نگارش باید به صورت «گفت‌وگو» نگاشته شود (چناری، ۱۳۹۲: ۱۰۱).
- قرار دادن یای میانجی در حالت اضافه: مانند «واژه‌ی» (ص ۴۱)، ریشه (ص ۱۴۱)، ... که در حال حاضر بر اساس دستور خط زبان فارسی، برای کلمات مختوم به «ها» ی غیرملفوظ در حالت اضافه از «ۀ» استفاده می‌شود (گروه دستور زبان، ۱۴۰۱: ۴۷؛ چناری، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

- اتصال کلماتی که باید جدا از هم نوشته شوند: مانند بهیچوجه (ص ۶۲)، صرفنظر (ص ۷۰)، آنچه‌انکه (ص ۹۰)، میگیرد (ص ۹۰)، آنرا (ص ۹۰).

- اتصال حرف اضافه «به» به کلمه و حذف «ها»: مانند بمن (ص ۸۷)، سهولت (ص ۸۷)، بکار رفته (ص ۲۰)، بکار بردن (ص ۸۷)، بصورت (ص ۸۶). جالب آن که در یک صفحه سه بار از کلمه اخیر استفاده شده و به دو گونه «بصورت» و «به صورت» نوشته شده است (ص ۸۶).

- عدم استفاده از علامت تنوین در کلمه‌های تنوین‌دار: مانند کلا، بعضاً (ص ۱۹)، عموماً (ص ۳۶)، کاملاً (ص ۹۰، ۸۷)، مثلاً (ص ۹۱).

- عدم حذف فعل مشابه در دو جمله: مانند «کلمه معجزه از اعجاز ریشه گرفته است و واژه اعجاز نیز در لغت به چند معنی آمده است» (ص ۹۱).
- گاهی نیز از کلمه‌های عامیانه و محاوره‌ای استفاده شده است که بی‌شک مناسب زبان علمی و رسمی نیست: مانند «نفوذ می‌ده» (ص ۱۴).

ب) عدم استفاده از نشانه‌های نگارشی

- قرار ندادن ویرگول بین دو فعل پشت هم که باید با استفاده از ویرگول آن‌ها را از هم جدا کرد. مانند: «بی سابقه و عجیب است نفی نموده» (ص ۸۷).
- عدم به کار بردن گیومه در نقل قول مستقیم: راغب اصفهانی می‌گوید: آیه، شاید از ریشه «أی» گرفته شده باشد، زیرا آیه است که روشن می‌کند...» (ص ۱۹).
- عدم استفاده از نقطه: جمله‌های متعددی آمده که بین آن‌ها نقطه قرار داده نشده است. «شناخت معجزه پشتوانه نبوت است تناسب در اعجاز قرآن معجزه الهی است در ابتدا به مناسبت در همین زمینه به مباحث...» (ص ۹۱).

ج) جای‌گذاری اشتباه نشانه‌های نگارشی

- گاهی با وجود استفاده از نشانه‌های نگارشی، در بیشتر موارد اشتباه جای‌گذاری شده‌اند. اصل آن است که نشانه نگارشی به کلمه قبل از خود متصل شود و از کلمه بعد یک فاصله داشته باشد، اما در این کتاب گاهی پرانتز به کلمه قبل یا بعد و یا حتی به شماره چسبیده است. نمونه‌های آن بسی فراوان است (ص ۵۸، ص ۶۲، ص ۱۷۸).
نکته دیگر در این زمینه آن‌که ویرگول قبل از حرف ربط «که» قرار گرفته است (ص ۳۵، ص ۶۲، ص ۷۵) و یا قبل از «واو» عطف، نقطه وجود دارد (ص ۲).
- در پاورقی کتاب هم، ویراستار یا تایپیست حتی زحمت نکشیده است خط پاورقی را از سمت چپ به سمت راست بیاورد. این یعنی ویراستار یا تایپیست حتی به اصول اولیه نگارش در محیط word نیز آشنا نبوده است.
- در نگارش علائم اسلامی نیز سبک یکسانی وجود ندارد. برای نمونه، عبارت «صلی الله علیه و آله» و «علیه‌السلام»، گاهی به صورت اختصار در پرانتز و گاهی بدون پرانتز و به صورت کامل نوشته شده است (ص ۷۵، ص ۱۲۰، ص ۱۲۱) که بهتر بود از علائم اسلامی استفاده می‌شد.

- نیم‌فاصله‌ها نیز در حروف چینی رعایت نشده است و در بسیاری از موارد، مانند افعال چندجزئی و کلمه‌های مشتق، یک فاصله کامل قرار داده شده است: می گوید (ص ۱۹)، گرفته اند (ص ۱۹)، کنش‌ها (۲۰)، تقسیم بندی (ص ۸۶).

- برای عنوان‌ها و زیر عنوان‌ها شکل جداگانه‌ای تعریف نشده و از همان روشی که برای نگارش متن در نظر گرفته شده، استفاده شده است.

- عدم تغییر قلم برای نگارش نام کتاب‌هایی که در متن به آن‌ها اشاره شده است. چرا که برای تمایز آن‌ها از متن به دلیل اهمیتشان می‌توانست نام آثار را ایتالیک یا بولد کند و یا در یک گیومه قرار دهد.

د) خطاهای دستوری

برخی از اشکال‌های دستوری این کتاب عبارت‌اند از:

- جمله ناقص به دلیل استفاده نکردن از فعل به صورت کامل: «و راغب در مفردات القرآن گفته: آیات با توجه به ...» (ص ۳۲).

- حذف فعل جمله دوم به قرینه غلط مانند جمله: «فخر رازی اشعری این تفسیر را تأیید کرده گوید: ...» (ص ۳۳).

- عدم تناسب فعل‌ها در جمله‌های پیایی. مانند جمله زیر در صفحه ۳۶:

«تشابه عرضی در آن دسته از آیات به وجود آمد که در آغاز اسلام متشابه نبوده، مسلمانان با سلامت طبع خلوص نیت با آن برخورد می‌کردند. بدین لحاظ عموماً معنا و مراد آن را به خوبی درک نموده، هیچ‌گونه شبهه‌ای ایجاد نمی‌کرد.»

به این ترتیب، صفحه‌ای را نمی‌توان یافت که به لحاظ نگارشی و املائی بی‌نقص باشد. هر کدام از نقصان‌های مربوط به نشر موجب می‌شود تا کتاب جذابیت خود را برای خواننده از دست بدهد. از این لحاظ کتاب با مانع بزرگ ارتباطی و انتقال مفاهیم مواجه است.

جدول ۷ نقد نگارشی

ردیف	نقد نگارشی
۱	غلط‌های بی‌شمار املائی
۲	قرار ندادن نشانه‌های نگارشی
۳	جای‌گذاری اشتباه نشانه‌های نگارشی
۴	خطاهای دستوری

۵. نقد روشی

کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، با وجود همه ضعف‌هایی که دارد از نظر روش‌شناسی نیز نقدپذیر است. پژوهش‌یک فرایند نظام‌مند است که برای انجام آن راهکارهایی تعیین شده است که روش تحقیق نامیده می‌شود (قراملکی، ۱۳۸۳: ۳۵). تمامی مراحل پژوهش از تعدادی اصول و فنون مشخص پیروی می‌کند؛ از جمع‌آوری اطلاعات گرفته تا تحلیل و پردازش داده‌ها که منطبق بر نوعی روش است تا پژوهش از حالت فردی خارج شود (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۲۲). یکی از انواع ارزیابی و نقد کتاب، روشی است که نویسنده آن را در اثنای تحقیق به کار می‌گیرد. برخی از شاخص‌های ارزیابی روشی شامل استفاده از روش درست، میزان پایبندی به اصول و ضوابط روش برگزیده، استفاده از منابع معتبر، رعایت امانت در بیان مطالب و ارجاع‌دهی و ارائه مطالب در راستای فعالیت مؤثر دانشجوی است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۳). با مطالعه روش‌شناختی می‌توان به این شاخص‌ها دست یافت و محاسن و معایب آن را بیان کرد. بر این اساس برخی از اشکال‌های روشی این کتاب عبارت‌اند از:

الف) عدم معرفی روش تحقیق

در این کتاب از شیوه کار و روش تحقیق سخنی به میان نیامده است، یعنی نویسنده مشخص نکرده از چه روشی برای گردآوری اطلاعات و پردازش آن‌ها استفاده کرده است. در واقع معرفی روش، بیانگر دقت نویسنده و روشمند بودن کار اوست. اما بررسی‌ها معلوم می‌کند روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و پردازش اطلاعات به روش تحلیل کیفی صورت گرفته است که در این زمینه نویسنده تعریف، شرح و تفسیر را مد نظر قرار داده است. البته پیش‌تر درباره شیوه نویسنده در ارائه تعریف و تفسیرها، مطالبی بیان شد.

ب) عدم تبدیل گزاره‌های گردآوری شده به اطلاعات شایسته

یکی از نکته‌های مهمی که در پژوهش حائز اهمیت است، تبدیل گزاره‌های گردآوری شده به اطلاعات شایسته است. لازم نیست پژوهشگر همه داده‌هایی را که فیش‌برداری کرده است در نگارش پایانی بیاورد، بلکه باید آن‌ها را از لحاظ صادق بودن گزاره، مرتبط بودن، واضح بودن، به‌روز بودن و در نهایت کافی بودن بیازماید و بسنجد (قراملکی، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۵). عدم انجام این آزمون‌ها سبب می‌شود نویسنده به یک کتاب‌ساز تبدیل شود و هر

آنچه را که در دست دارد وارد کتاب کند، همانند کاری که در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* انجام شده و نویسنده بدون هیچ ملاحظه‌ای، گزاره‌های فیش‌برداری شده را - بدون تبدیل به اطلاعات شایسته - به کتاب منتقل کرده است. این مطلب به‌ویژه در بخش دانش‌های مشترک و اختصاصی قرآن کاملاً مشهود است.

ج) عدم استفاده از منابع دست‌اول

شیوه گردآوری اطلاعات در این کتاب به روش کتابخانه‌ای است، از این لحاظ منابع آن، کتاب‌ها و منابع مکتوب اعم از مقاله‌ها و رساله‌ها و حتی نسخه‌های خطی است. اگرچه نویسنده در برخی فصل‌ها از چند کتاب دست‌اول از قبیل *الکشاف زمخشری و کامل* این‌اثیر استفاده کرده، اما فراوانی آن کم است و در بیشتر مباحث کتاب، منابع دست‌اول و تخصصی به چشم نمی‌خورد. برای نمونه، نویسنده تعریف «علم رجال» را از کتاب *دانش رجال الحدیث* محمد حسن ربانی می‌آورد (ص ۱۶۵)، در حالی که آثار بی‌شماری در گذشته در علم رجال و درایه الحدیث به نگارش درآمده است. همچنانکه یکی از مشکلات اساسی این کتاب، استفاده از منابع اندک و استناد به چند منبع در دسترس است.

د) ارجاع ندادن

هیچ اثر پژوهشی را نمی‌توان یافت که متأثر از تحقیقات پیشین نباشد و نویسنده آن را تماماً متعلق به خود بداند. آثار، به‌ویژه آثار علمی، در خلأ تولید نمی‌شوند و باید به منابعی مستند باشند. استناد به نظرات دیگران، بیانگر آن است که اندیشه و نظر دیگران مکمل نظر ماست (حسن‌وندی و مروتی، ۱۴۰۰: ۱۹۶) و آنچه در این زمینه اهمیت دارد آن است که نویسنده امانت‌دار باشد (منصوریان، ۱۳۹۲: ۷) و با توجه به شیوه‌های استناددهی، سخن خود را از سخن دیگران تفکیک کند (حسن‌وندی و مروتی، ۱۴۰۰: ۱۹۶). در صورت عدم استناد و استفاده بدون ارجاع و مطرح کردن بحث به گونه‌ای که مخاطبان تصور کنند که سخن از نویسنده است، نوعی بی‌اخلاقی علمی و به عبارت بهتر سرقت علمی اتفاق افتاده است (سوپافول، ۲۰۱۰: ۲۸۱).

در کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، نویسنده برای بیشتر تعریف‌هایی که ارائه می‌دهد، منبعی بیان نمی‌کند. برای نمونه در تعریف «متن» با آن که ادعا کرده است تعریفی از فلسفه ادبیات می‌آورد، اما هیچ منبعی ذکر نمی‌شود (ص ۱۹) و یا مطلبی از «پل

ریکور» در تعریف «متن» می‌آورد، بدون آن‌که به منبعی ارجاع دهد (ص ۲۰). در تعریف لغوی و اصطلاحی «معجزه» نیز منبعی ذکر نمی‌شود (ص ۹۱).

ه) ارجاع‌دهی نادرست و ناقص

امروزه، نحوه ارجاع در آثار علمی و کتاب‌های آموزشی کاملاً شناخته شده است. دو روش ارجاع درون‌متنی و پاورقی بسیار رایج است و البته اصول خود را دارد. در کتاب هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی، ارجاع‌ها به صورت پاورقی است که متأسفانه درست انجام نشده است. شیوه درست و جدید آن است که در ارجاع اول به کتاب یا مقاله، اطلاعات کامل کتاب‌شناسی اثر با محل استناد ذکر شود و در دفعات بعد، اگر بلافاصله تکرار شود به عبارت «همان» اکتفا شود و اگر بلافاصله بیاید، اطلاعات مختصری از منبع بیان شود (نکونام، ۱۳۹۸: ۴۳۷-۴۳۸). اما در این کتاب از همان ابتدا و در ارجاع اول، به اطلاعات مختصر اکتفا شده است. برای نمونه ارجاع به کتاب *مفردات* راغب اصفهانی برای بار نخست و در صفحه ۴ کتاب این‌گونه آمده است: «راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۲۴۹» (ص ۴). یا در همین صفحه ارجاع به کتاب *مجمع‌البحرین* طریحی چنین است: «طریحی، پیشین، ج ۳ و ۴، ص ۲۳۴» (ص ۴). در حالی که پیش از آن به این کتاب ارجاع نداده بود و همین صفحه، مبحث آغازین این کتاب است. نکته جالب اینکه در فهرست منابع نیز اطلاعات کتاب‌شناسی این کتاب به صورت کامل نیامده است (ص ۱۸۹، سطر ۲). نمونه‌های این ارجاع‌های ناقص فراوان است (رک: ص ۵، ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ص ۲۹، ...)

جدول ۸ نقد روشی

ردیف	نقد روشی
۱	عدم معرفی روش تحقیق
۲	عدم تبدیل گزاره‌های گردآوری شده به اطلاعات شایسته
۳	عدم استفاده از منابع دست اول
۴	ارجاع ندادن
۵	ارجاع‌دهی نادرست و ناقص

نتیجه‌گیری

هدف از بررسی و نقد یک کتاب، آگاه کردن نویسنده و مخاطبان از ساختار و محتوای آن و بیان نقاط قوت و ضعف آن است. کتاب آموزشی برای آن‌که بتواند در چرخه آموزش

قرار بگیرد و کارآمد و اثربخش تلقی شود، ضروری است بررسی و نقد و در نهایت اصلاح شود. کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی*، نخستین اثر برای واحد درسی «هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی» است که به‌رغم هدفمند و مسئله‌مند بودن مؤلف با اشکال‌هایی همراه است که فرایند یاددهی - یادگیری را با مشکل مواجه کرده است. به عنوان اشکال نخست باید گفت که این کتاب از نظر صورت و شکل ظاهری جذابیتی ندارد و رغبتی برای مخاطب برای مطالعه ایجاد نمی‌کند. اشکال‌های وارد شده در این بخش بیشتر متوجه جلد کتاب و صفحه‌آرایی آن است. در حالی که یکی از ملاک‌های مقبولیت یک کتاب، به‌ویژه کتاب دانشگاهی، برانگیختن مخاطب برای ادامه مطالعه به واسطه طراحی خلاق و حرفه‌ای جلد کتاب است که متأسفانه در این مورد به دور از خلاقیت و با کمترین ارتباط با محتوای کتاب طراحی شده است. رنگ جلد کتاب نیز از عوامل مهم ارزیابی یک کتاب، به واسطه تأثیرات روان‌شناختی است و در این خصوص نیز از رنگ‌هایی که نشان‌دهنده محتوا و فضای متن باشد، استفاده نشده است. صفحه‌آرایی کتاب نیز از نقاط ضعف جدی آن است که توان ارتباط با مخاطب را از آن سلب می‌کند. در این زمینه، مهم‌ترین مشکل کتاب استفاده از اندازه قلم غیراستاندارد و ریز برای نگارش است که خواندن کتاب را دشوار کرده است. تنیده شدن نقل‌قول‌ها به متن و مجزا نکردن آن‌ها با گیومه از دیگر اشکالات این بخش است. در صورتی که یکی از راهکارهای دوری از بی‌اخلاقی علمی، مشخص کردن نقل‌قول‌ها و تفکیک آن از سخن نویسنده است. عدم رعایت مقوله زیباشناختی در نگارش آیات از دیگر موارد ضعف صفحه‌آرایی این کتاب است. این در حالی است که قلم‌های مختلفی برای نگارش آیات قرآن طراحی شده است که جذابیت بصری خاصی به متن می‌دهد.

نویسنده در زمینه متن و محتوا نیز موفق عمل نکرده است و محتوا توان ارتباط با مخاطب را ندارد. از این لحاظ کتاب باید به صورت جدی بازبینی و اصلاح شود. در واقع نقد محتوا مهم‌ترین بخش نقد یک کتاب است، چرا که محتوا همان اصول و مفاهیمی است که برنامه‌ریزان و نویسندگان برای سهولت یادگیری انتخاب و سازماندهی می‌کنند و به لحاظ نقشی که در دستیابی به اهداف آموزشی دارد، اهمیت زیادی می‌یابد. در نقد محتوایی معیارهای مختلفی از قبیل نوآوری و به‌روز بودن مطالب، انسجام و پیوستگی بین مطالب، انطباق محتوا با عناوین، جامعیت و ارتباط کتاب با دیگر آثار مشابه و مرتبط بررسی و ارزیابی می‌شود. محتوای کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* از جنبه‌های

مختلفی دچار ضعف و کاستی‌های جدی است که از آن جمله می‌توان به عدم نوآوری در ارائه محتوا، عدم شرح و بسط برخی کلمات و اصطلاحات، کم‌رنگ بودن دیدگاه‌های نویسنده، اختصاص دادن بخش مهمی از کتاب به مطالب غیرضروری، کم بودن اطلاعات اصلی و مفید، محکم نبودن هدف‌های آموزشی و عدم ارتباط محتوای کتاب با آثار موازی و مرتبط اشاره کرد. نویسنده در ارائه محتوا نوآوری نداشته و بیشتر ناقل سخنان پیشینیان بوده است، بدون آنکه بخواهد در این زمینه به نقد و داوری گفته‌ها بپردازد. از این نظر دیدگاه‌های مؤلف کم‌رنگ و بی‌رنگ است. این ضعف در تعریف اصطلاحات و مفاهیم نمود بیشتری دارد، به این صورت که در شرح و توضیح آن‌ها به همان آثار قبلی اکتفا شده است و حتی گاهی نویسنده برخی از اصطلاحات را بدون هیچ گونه تعریفی دنبال کرده است.

ساختار کتاب نیز بررسی و ارزیابی شد. ساختار مناسب، به مخاطب در دستیابی به اهداف آموزشی کمک می‌کند و تأثیر زیادی بر میزان فهم و به یادسپاری اطلاعات دارد. در کتاب مورد نقد باید گفت که نویسنده، آن را به طرز مطلوبی سازماندهی نکرده است و فصل‌ها و درس‌ها چینش مناسبی ندارد. همچنین زیرعنوان‌ها با موضوع اصلی درس متناسب نیست و لازم است نویسنده با ایجاد تغییراتی مانند ارائه محتوای فصل‌ها و درس‌ها با نظم منطقی و سازماندهی مناسب، ناهمگونی ساختاری آن را از بین ببرد و مخاطب را از سردرگمی نجات دهد. ترتیب منطقی، هم در چینش فصول کتاب و هم در مطالب هر فصل به صورت مجزا، در دستیابی نویسنده به هدف آموزشی تأثیرگذار است.

بر این کتاب از نظر نگارشی و زبانی نیز نقدهای اساسی وارد است. این ایرادها از اولین جمله‌های کتاب و از جلد آن شروع می‌شود و تا آخرین صفحات ادامه دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وجود غلط‌های املائی، عدم رعایت نیم‌فاصله‌ها، قرار ندادن علائم نگارشی و یا جای‌گذاری اشتباه آن‌ها و خطاهای دستوری اشاره کرد. دشواری زبان و وجود غلط‌های نگارشی و زبانی در کتاب‌های درسی، از اهمیت آن‌ها می‌کاهد و سبب کاهش رغبت خواننده به مطالعه می‌شود و درک و فهم محتوا را به تأخیر می‌اندازد.

از سوی دیگر بر اساس شاخصه‌های ارزیابی روشی نیز این کتاب کاستی‌هایی دارد؛ عدم معرفی روش تحقیق در مقدمه کتاب، استناد به منابع دست دوم و یا کم‌اهمیت، رها کردن مطالب بدون ارجاع و یا با ارجاع ناقص، ایرادهای روشی کتاب است که تا حدی از ارزش و اعتبار علمی آن کاسته است. مؤلف می‌بایست ضمن معرفی روش تحقیق خود،

میزان پایبندی به اصول و قواعد آن روش را در اثنای تحقیق نشان دهد که در این کتاب نه اشاره‌ای به روش پژوهش شده و نه پژوهشگر روش خاصی را در جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها برگزیده است و تنها مانند کتاب‌سازان به گردآوری و تدوین همه داده‌های به دست آمده، پرداخته است.

بدین ترتیب، کتاب *هندسه دانش‌های قرآنی و حدیثی* در حوزه‌های شکل و ظاهر، محتوا، ساختار، نگارش و روش دارای خطاهای انکارناپذیر است و استانداردهای لازم یک کتاب آموزشی را ندارد و نویسنده و یا متخصصان این حوزه باید به اصلاح آن اقدام کنند. با توجه به این توضیحات، کتاب از لحاظ کارآمدی و اثربخشی ملاک‌های لازم را ندارد و نمی‌تواند منبع مناسبی برای یک واحد درسی باشد و لازم است بازبینی و اصلاح شود تا به نحو مطلوبی ارائه گردد.

پیشنهادها

۱. برای رشد و اثربخشی کتاب‌های درسی، آثار موجود در هر رشته با توجه به ملاک‌های ارزیابی کتاب‌های درسی، نقادانه بررسی شوند و این بررسی‌ها به مؤلفان و تصمیم‌گیران برای اعمال اصلاحات عرضه شود.
۲. کارگاه‌ها و دوره‌هایی برای آموزش اصول و فنون نگارش کتب درسی و دانشگاهی برای محققان این عرصه از سوی مؤسسات آموزشی و دانشگاهی برگزار گردد.
۳. با توجه به اهمیت ارتباط مخاطب با متن کتاب و یادگیری از طریق ارتباط مؤثر با متن، از مخاطبان نیز درباره بخش‌های مختلف یک کتاب درسی نظرسنجی به عمل آید.
۴. مؤلفان کتاب‌های درسی از نویسندگانی انتخاب شوند که، از تجربه و تخصص کافی برخوردار باشند تا هم دستیابی به اهداف آموزشی امکان‌پذیر باشد و هم در هزینه‌ها و زمان صرفه‌جویی گردد.

منابع

۱. آرامبراستر، بی‌بی و اندرسون، تی. اچ. (۱۹۹۳). تحلیل کتاب درسی (هاشم فردانش، ترجمه). نشریه تعلیم و تربیت، ۳۳.
۲. آرمند، محمد و ملکی، حسن. (۲۰۱۲). مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی. تهران: سمت.
۳. اصغری، محمد، لونیسا، آذر، و حسن‌پور، ابراهیم. (۲۰۱۸). الگوی نگارش کتاب آموزشی: تدوین، تنظیم، ویرایش، صفحه‌آرایی، چاپ. تهران: ناشر، تراشه دانش.
۴. پاکتچی، احمد. (۲۰۱۷). روش تحقیق عمومی با رویکرد علوم انسانی - اسلامی (th ed۴). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. چناری، امیر. (۲۰۱۳). آیین نگارش و ویرایش برای متون علمی، اداری و مطبوعاتی (۲ nd ed). تهران: زوآر.
۶. حاتم، سجاد و زینالی، علی. (۲۰۱۷). برنامه درسی دوره ابتدایی (st ed۱). مشهد: ارسطو.
۷. حسن‌وندی، محسن و مروتی، سهراب. (۲۰۲۲). "بررسی و نقد کتاب تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم." *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۴۸.
۸. رحیمی‌نژاد، ویدا. (۲۰۲۳). "ارزیابی و نقد کیفیت کتاب درسی دانشگاهی «نمایشنامه قرن ۱۷ تا ۲۰ بر اساس معیار ده گانه منصوریان.» *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۵۲.
۹. رستمی‌نژاد، محمدعلی، زنگویی، اسدالله، شریفی‌نسب، صادق، و شکوهی فرد، حسین. (۲۰۱۴). "تأثیر قلم حروف (فونت) بر سرعت، درک مطلب و دقت خوانندگان کتب درسی." *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۳۴.
۱۰. رسولی، مهستی، و آتسانی، زهرا. (۲۰۱۴). *تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی*. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۱. رضایی، حمید، حسینی‌نیا، اکبرنژاد، مهدی، حسینی، و سید بشیر. (۲۰۲۳). "مؤلفه‌های جذابیت رسانه‌ای در ارائه محتوای قرآن کریم." *فصلنامه علمی - پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۱.
۱۲. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۲۰۲۰). *آشنایی با نقد ادبی* (th ed۱۰). تهران: سخن.

۱۳. قاسمی، حمید، کشکر، سارا، و ایزدپرست، لیلا. (۲۰۲۱). *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب* (۴th ed). تهران: جامعه‌شناسان.
۱۴. قراملکی، احدفرامرزی. (۲۰۰۴). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۵. گروه دستور خط فارسی. (۲۰۲۲). *دستور خط فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۶. معارف، مجید و شریعتی نیاسر، حامد. (۲۰۲۰). *هندسه دانش‌های قرآنی، حدیثی*. قم: دارالحدیث.
۱۷. منصوریان، یزدان. (۲۰۱۳). "صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی". *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۹.
۱۸. ماندی، جرمی. (۲۰۱۲). *معرفی مطالعات ترجمه (علی بهرامی و زینب تاجیک، ترجمه)*. تهران: رهنما.
۱۹. نکونام، جعفر. (۲۰۱۰). *روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی*. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۲۰. نوروزی، علیرضا. (۲۰۰۱). *نمایه‌سازی کتاب: راهنمایی برای ناشران، نمایه‌سازان، کتابداران، مؤلفان و مترجمان*. تهران: چاپار.
۲۱. Berman, A. (1999). *La traduction et la lettre ou L'auberge du lointain*. Paris: Seuil.
۲۲. Supaphol, P. (2010). Ethics in scientific writing. *Chiang Mai Journal of Science*, 37 (۲).
۲۳. Vicinus, M. & Eisner, C. (2009). *Originality, imitation, and plagiarism: Teaching writing in the digital age* (p. 281).